

۱۱۰ سالگی صادق هدایت

سایه‌ای بر سر داستان نویسی معاصر ایران



صادق هدایت را پیش‌تر داستان نویسی مدرن ایران می‌دانند. رد ویژگی‌های ادبی کار هدایت را در نویسندگان پس از او دشوار بتوان گرفت. ظاهراً هدایت آغازگر راهی بوده که دیگران از آن به سمت‌های مختلف رفته و می‌روند.

صادق هدایت ۱۱۰ سال پیش (۱۹۰۳) در تهران متولد شد و ۴۸ سال بعد در پاریس خودکشی کرد. روز تولد هدایت در سال ۲۰۱۳ میلادی با ۱۶ فوریه مصادف است. نخستین داستان هدایت، زنده به گور، حدود هشتاد سال پیش (۱۳۰۸) منتشر شد.

از آن زمان تا کنون تقریباً تمام داستان‌نویسان مطرح ایرانی کار خود را در ادامه‌ی راهی می‌دانند که هدایت گشایند و ستاره‌ی تابان آن معرفی می‌شود؛ گرچه او در نیمه‌ی دوم عمر خود داستان کوتاه کمتر نوشت با منتشر نکرد، و در هر حال در ۱۵ سالگی که پس از انتشار بوف کور (۱۳۱۵) زنده بود موفق به خلق اثری قوی‌تر از این زمان شد.

از جمالزاده تا داستان کوتاه

آثار صادق هدایت به جز داستان‌های کوتاه و بلند، بسیار متنوع‌اند؛ از نقد و ترجمه‌ی ادبی تا گردآوری قصه‌های عامیانه و فولکلور؛ از طنز و انتقاد اجتماعی تا برگردان متون کهن به فارسی؛ از نمایشنامه تا نوشته‌هایی در فواید گیاهخواری

و... در میان آثار هدایت داستان‌های او قشعی‌ویژه دارند. آنچه داستان نویسی مدرن و معاصر ایران خوانده می‌شود، به طور جدی و مشخص با هدایت آغاز می‌شود. این واقعیت به معنای آن نیست که به لحاظ ادبی چیزی به عنوان «سبک هدایت» قابل تشخیص باشد که دیگران از آن متأثر شده باشند.

کاری که کسانی مانند محمد علی جمالزاده و علی اکبر دهخدا پیش از هدایت انجام دادند، از نظر ساده نویسی و راه دادن واژگان عامیانه یا غیرفاحر به زبان ادبی، برای داستان‌نویسی بستری مناسب فراهم کرد اما با تعریف‌های ادبیات

مدرن در ژانر (نوع) داستان کوتاه قرار نمی‌گیرند.

نوشته‌های مجموعه‌ی یکی بود یکی نبود، جمالزاده که برخی از تدوین کنندگان تاریخ ادبیات معاصر

سرآغاز داستان کوتاه فارسی محسوب می‌کنند، بیشتر خاطره، گزارش و ثبت مشاهده‌هایی است که به بیانی شفاف و ساده حکایت می‌شوند و فاقد ویژگی‌های ساختاری نوع داستان کوتاه مدرن هستند.

پرسه در میان انواع ادبی

هدایت به دنبال فرم‌های تازه‌ی ادبی به تجربه‌های مختلفی که در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، به ویژه در ادبیات غرب و روسیه انجام شده بود نظر داشت. داستان‌های کوتاه روسی و در وهله اول آثار آنتوان چخوف، و آثار نویسندگان آلمانی‌زبان، به ویژه فرانتس کافکا به لحاظ فرم و محتوا در کار او تأثیر گذاشت.

هدایت داستان‌نویسی را با معیارهای نقد ادبی غرب نمی‌توان نویسنده‌ی «صاحب سبک» دانسته اوبه جز اثر صریح و سرزنده وطنی که در بسیاری از آثارش وجود دارد، به لحاظ فرم و ساختار داستان به شیوه و سبک خاصی پایبند نبود.

شاخص‌ترین اثرش بوف کور را اغلب در طبقه بندی ادبیات سورئالیستی جا می‌دهند. منتقدان در دو داستان کوتاه زنده به گور و سه قطره خون نیز برخی از ویژگی‌های این نوع را برجسته می‌بینند. با این همه این انتساب اگر دقیق و درست هم باشد به معنای سورئالیست بودن هدایت نیست.

هدایت هم‌زمان با آثار سورئالیستی خود، داستان‌هایی چون عروسک پشت پرده و طلب آموزش را نیز نوشته که داستان‌هایی رئالیستی به شمار می‌روند.

تفنن و دلزدگی

برخی از آثار هدایت تفنن و آزمایش در قالب‌هایی است که او با نمونه‌های آنها از طریق زبان فرانسوی آشنا شده بود. برخی دیگر حاصل دلزدگی یا احساس و تلیفه روشنفکری در یک دوران خاص تاریخی است که از روح حاکم بر همان دوره تأثیر گرفته است.

صادق هدایت چهار سال پیش از خودکشی در نامه‌ای به دوستش حسن شهید نورایی نوشت: «... خیال دارم یک چیز وقیح و مسخره

سایه‌ای بر سر داستان

درست بکنم که اخ و تف باشد به روی همه. شاید نتوانم چاپ بکنم. اهمیتی ندارد. ولیکن این آخرین حربه من است تا اقل‌توی دشان نگویند فلانی خوب خرید. از نمونه‌های تفنن هدایت در انواع ادبی، میتوان به داستان علمی - تخیلی س. گ. ل. ل. (۱۳۱۲) اشاره کرد. در برخی دیگر از آثار او نیز جنبه‌های ناتورالیستی پر رنگ‌تر است.

برخی از منتقدان شماری از آثار مهم دهه‌های چهل و پنجاه، از جمله «ملکوت» بهرام صادقی و «شازده احتجاب» هوشنگ گلشیری را الهام گرفته از بوف کور تلقی می‌کنند. بر این اساس روح کلی بوف کور جستجوی زیبایی یا حسرت‌آبدیت فرض می‌شود که ظاهراً در این دو رمان نیز به چشم می‌خورد.

در تقابل با این نظر عده‌ای معتقدند، حسرت جاودانگی، مانند

عم غربت و حسرت زمان از دست رفته مفاهیمی عام و کهن هستند که در ادبیات همه‌ی زمان‌ها بازتاب یافته و با چنین معیاری بسیاری از آثار مهم ادبی جهان را می‌توان در پیوند یکدیگر دید.

تأثیر زمان نو فرانسوی بر دو اثر یاد شده بسیار آشکارتر است از تأثیر صادق هدایت.

بیگانه ستیزی

از سوی دیگر تأثیر برخی از دغدغه‌های فکری هدایت را بر نویسندگان بعد از او نمی‌توان نادیده گرفت. یکی از این دغدغه‌ها از میان رفتن دوران باشکوه باستان است که در آثار هدایت به ناسیونالیسمی افراطی، و به اعتقاد برخی بیگانه‌ستیزی و نژادپرستانه می‌انجامد.

بسیاری از منتقدان، به ویژه در دو دهه‌ی گذشته این جنبه از نوشته‌های هدایت را بررسی کرده‌اند. یکی از این نوشته‌ها «هدایت، بوف کور و ناسیونالیسم» کار پژوهشگر تاریخ و ادبیات ایران ماشالله آجودانی است.

آجودانی در این کتاب می‌نویسد که هدایت در دوره‌ای می‌زیست که بسیاری از روشنفکران، جهان‌آرمانی خود را در ایران باستان می‌جستند و تباهی‌ها و عقب ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی را به سلطه‌ی اعراب و تحمیل اسلام به ایرانیان نسبت می‌دادند.

در مواردی که تأثیر هم نیست و تا امروز ادامه یافته انتقاد به باورهای خرافی و آداب و رفتار مسلمانان با ستایش افراطی ایران باستان توأم است که گاهی به ناسیونالیسم و

<p>می‌کند. کاری که تو در نثر انجام دادی، من در نظم کلمات خشن و سقط انجام دادم که به نتیجه‌ی زحمت آن‌ها را رام کرده‌ام...</p> <p>هدایت از زبان راوی یوف کور می‌گوید: اگر حالا تصمیم گرفتم که بنویسم، فقط برای این است که خودم را به سایه‌ام معرفی بکنم... او تاکید می‌کند که من فقط برای سایه‌ی خودم می‌نویسم...</p> <p>با استفاده از همین تعبیر شاید بتوان گفت سایه‌ی هدایت نزدیک به هشت دهه است که بر داستان نویسی معاصر ایران گسترده شده و اگر تاثیر کار او را در آثار نویسندگان بعدی نتوان به دقت نشان داد، حضور این سایه قابل انکار نیست.</p>	<p>آن‌ها، یعنی بیانی که رئالیزم در صنعت ایجاد می‌کند، نیست. نفوذ یک ایده آلیزم سمج و نافذ است که صنعت را در نقاط حساس واقع شده‌ی خود ایده آلیزه می‌کند.</p> <p>نیما در این نامه که شاهدهی برداشتی وسیع تکوریک و آشنایی گسترده‌ی او با داستان‌نویسی مدرن جهان است پس از بررسی جنبه‌های مختلف داستان‌های رئالیستی هدایت به این نتیجه می‌رسد که در این آثار انسان به مسایلی برخورد می‌کند که با آن مقدار رئالیزم که نویسنده خود را ملزم به رعایت از اقتضائات آن می‌کند، خیلی منافات دارد.</p> <p>سایه‌ی سنگین و گسترده</p> <p>نیما به ارزش‌های راهگشای کار هدایت آشنا بود و انتقادهایش به او زمانی به شکل نقد ادبی و با استدلال‌های شفاف فنی بیان می‌شد و زمان دیگری متوجه مضمون آثار کسی است که به قول او انگار نمی‌خواهد در دنیای بدون انزجار و وحشت زندگی کند.</p> <p>بنیانگذار شعر نو در پایان نامه و پس از انتقادهای فراوان به کاستی‌های کار هدایت از منظر داستان‌نویسی مدرن، نثر او را می‌ستاید و تلاش‌های او در این زمینه را هم‌سنگ کار خود در شعر عنوان</p>	<p>چندان آشکار و قابل اعتنا نیست. نویسنده‌ی یوف کور در دهه‌ی پایانی عمرش به نوشتن آثاری چون علویه خانم و حاجی آقا می‌پردازد که سواي تمام ارزش‌هایی که از جنبه طنز و انتقاد اجتماعی دارند به لحاظ سبک و جنبه‌های مدرنیستی ادبی گامی به عقب محسوب می‌شوند.</p> <p>نیما و نقد داستان‌های هدایت</p> <p>شاید جان سرگشته، طبع عصیانگر و دلزدگی مفرط هدایت باعث شده که او مدام در حال تجربه در فرم‌ها مختلف ادبی باشد و در این راه به ملزومات و قواعد سبکی که می‌آزمود کمتر توجه کند.</p> <p>این نکته را هم عصر او، نیما یوشیچ (۱۳۳۸ - ۱۲۷۴) در نامه‌ی مفصلی که در سال ۱۳۱۵ نوشت به هدایت گوشزد کرده است.</p> <p>نیما می‌نویسد هدایت به شکل کار بی‌اعتناست و شخصیت‌های داستان‌هایش نوع تفکرات و تکلمات خود را از دست داده به جای آن‌ها خود نویسنده است که دارد آن‌طور که دلش می‌خواهد، حرف می‌زند.</p> <p>نیما یوشیچ پس از خواندن چند کتابی که هدایت برایش فرستاده با اشاره به داستان آخرین لبخند خطاب به او می‌نویسد: معلوم است بیانات پرسنازهای فوق، طبیعی</p>	<p>بعضا به بیگانه‌ستیزی مبدل می‌شود. آجودانی تحقیر اعراب را در داستانی مانند طلب آموزش (در مجموعه سه قطره خون) نژادپرستانه ارزیابی می‌کند که به باور او جنبه‌ی هنری داستان را به کلی مخدوش کرده است.</p> <p>از یوف کور به حاجی آقا</p> <p>در بخش دوم کتاب، آجودانی یوف کور را در ارتباط با دیگر آثار هدایت بررسی می‌کند و از جمله نتیجه می‌گیرد که زن اثیری در این داستان همان پروین دختر ساسان است که با سلطه اسلام به لکاته استحاله پیدا کرده است.</p> <p>از یوف کور تفسیرهای گوناگون ارائه شده و آجودانی در کتاب خود تاکید می‌کند که تحلیل او از این اثر یکی از تفسیرهای ممکن است و الزاما آخرین و بهترین نیست.</p> <p>در مورد میزان و چگونگی تاثیر صادق هدایت بر نویسندگان معاصر ایران تا کنون آثار دقیق و قابل اعتنا کمتر منتشر شده است. این واقعیت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که جنبه‌های پر قدرت برخی از داستان‌های هدایت در نوشته‌های بعدی خود او نه تنها حفظ نشده که در مواردی نقی شده است.</p> <p>به عبارت دیگر تاثیر مثبت آثار مهم هدایت بر روی کار خودش نیز</p>
---	---	--	---